

Recognizing the Way of Representing People with Disabilities in Social Media and Improvement of Their Lives

Abdosamadi A¹, *Masoudi OA², Mohammad Taheri MR³

Author Address

1. PhD Candidate in Media Administration, Faculty of Communication and Media Sciences, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran;

2. Associate Professor of Communication Studies of Faculty of Culture and Communication- Soore University, Tehran, Iran;

3. Assistant Professor of Communication Sciences and Journalism Department, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran.

*Corresponding Author E-mail: masoudi@soore.ac.ir

Received: 2021 April 2; Accepted: 2022 May 7

Abstract

Background & Objectives: Nowadays, social media has gained a crucial role in human life. Creating social branding stands out as one of the main concerns of people with disabilities. The media, especially social media, must assume different responsibilities towards people with disabilities. Informing, educating, and entertaining people with disabilities, as well as informing other sections of society about the low quality of life of people with disabilities, are among the most important missions of any media. Social networks have contributed to the integration of people with disabilities in society. Access to social networks has become easy for the public in recent decades. Therefore, it seems logical to investigate the role of social media in improving and promoting the individual and social life conditions of people with disabilities. This research aims to examine the way of representation of people with disabilities in social networks in improving their living conditions.

Methods: The research method was qualitative, and the main research tool was the in-depth and semi-structured interview. Iranian media elites were targeted for interviews. In this research, media elites are defined as persons with at least 10 years of experience in this field or who have a master's degree and higher university studies with fewer experiences. Eleven experts were selected for the interview. We used the triangulation technique and the "labeling" theory to validate the research. Triple coding (category, subcategory, code) was used to analyze the content of in-depth and semi-structured interviews.

Results: The findings of this research uncovered 3 categories and 6 subcategories: the category of identifying and classifying the needs of disabled people (with the subcategories of public information, using social networks to share and reflect the activities of people with disabilities), improving the level of social communication of people with disabilities through virtual space (with the subcategories of teaching people with disabilities and society to create positive mutual interaction, and developing communication between people with disabilities and other people) and creating social branding (with the subcategories of creating a group in virtual space by people with disabilities and creating a channel in virtual space by people with disabilities).

Conclusion: According to the results of the research, the use of virtual space, especially social networks, can improve the social level of the lives of people with disabilities.

Keywords: People with disabilities, Disability, Media, Social networks, Virtual space, The Internet.

شناخت نحوه بازنمایی افراد دارای معلولیت در شبکه‌های اجتماعی در ارتقای شرایط زندگی آنها

علی عبدالصمدی^۱، *امیدعلی مسعودی^۲، محمودرضا محمدطاهری^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، گروه مدیریت رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. دانشیار علوم ارتباطات دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران؛

۳. استادیار گروه علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: masoudi@soore.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳ فروردین ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی نقش بسزایی در آموزش افراد دارای معلولیت و نیز آموزش سایر افراد جامعه در قبال افراد دارای معلولیت دارند. رسانه‌های امروز کشور کمتر به این رسالت مهم توجه داشته‌اند. تحقیق حاضر با هدف شناخت بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های اجتماعی و نیز نقش این‌گونه رسانه‌ها در ارتقای شرایط زندگی این افراد صورت گرفت.

روش بررسی: این پژوهش با روش کیفی انجام پذیرفت. به‌منظور نیل به هدف پژوهش از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. با یازده نفر از خبرنگاران رسانه‌ها در ایران مصاحبه صورت گرفت که همگی حداقل ده سال سابقه کار رسانه‌ای داشتند یا در صورت داشتن تجربه کمتر، از تحصیلات کارشناسی ارشد یا بیشتر مرتبط با حوزه رسانه برخوردار بودند. همچنین به‌منظور اعتباربخشیدن به تحقیق، تکنیک مثلث‌سازی و نظریه «برچسب‌زنی» به‌کار رفت. از کدگذاری سه‌گانه (مقوله، زیرمقوله، کد) برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش در سه مقوله و شش زیرمقوله ارائه شد. مضمون‌های شناسایی و طبقه‌بندی نیازهای معلولان (با زیرمضمون‌های اطلاع‌رسانی عمومی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک‌گذاری و بازتاب فعالیت‌های افراد دارای معلولیت)، ارتقای سطح ارتباطات اجتماعی افراد دارای معلولیت از طریق فضای مجازی (با زیرمضمون‌های آموزش به افراد دارای معلولیت و جامعه برای ایجاد تعامل مثبت و دوسویه، ایجاد ارتباط بین افراد دارای معلولیت و دیگر افراد) و ایجاد تشخیص اجتماعی (با زیرمضمون‌های ایجاد گروه در فضای مجازی توسط افراد دارای معلولیت، ایجاد کانال در فضای مجازی توسط افراد دارای معلولیت) شناسایی شد.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج پژوهش، استفاده از فضای مجازی به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی توانسته است موجب ارتقای سطح اجتماعی زندگی افراد دارای معلولیت شود.

کلیدواژه‌ها: افراد دارای معلولیت، معلولیت، رسانه، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی، اینترنت.

براساس اعلام سازمان بهزیستی کل کشور، ۱ میلیون و ۴۳۹ هزار و ۲۲۵ نفر از افراد دارای معلولیت در کشور شناسایی شدند که تحت پوشش بهزیستی هستند (۱). با احتساب این امکان که عده‌ای از افراد دارای انواع معلولیت رأساً برای شناسایی اقدام نکردند، بالغ بر ۲ میلیون نفر از افراد دارای انواع معلولیت‌ها در ایران شناسایی شدند. افراد دارای معلولیت تشکیل‌دهنده بزرگ‌ترین اقلیت جهان هستند (۲).

ایجاد تشخص اجتماعی^۱ از دغدغه‌های اصلی قشر افراد دارای انواع معلولیت است. زمانی و همکاران در پژوهشی به ارزیابی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با نقش میانجیگری کیفیت زندگی بر سلامت عمومی ورزشکاران جانباز و معلول ایران پرداختند. آن‌ها با بررسی تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر سلامت عمومی ورزشکاران جانبازان معلول ذکر کردند که به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی زمانی که به‌عنوان حامی و تقویت‌کننده هستند، می‌توانند کیفیت زندگی را افزایش دهند و به تبع آن سلامت عمومی را ارتقا بخشند (۳). نتایج پژوهش مذکور مؤید نقش رسانه‌های اجتماعی در ایجاد تشخص اجتماعی برای قشر افراد دارای معلولیت بود. رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های اجتماعی درقبال افراد دارای معلولیت باید مسئولیت‌های مختلفی برای خود متصور باشند. اطلاع‌رسانی، آموزش، ایجاد سرگرمی برای افراد دارای معلولیت و نیز آگاه‌سازی سایر اقشار جامعه درباره کم‌وکیف زندگی افراد دارای معلولیت، رسالت‌های مهم‌تر هر رسانه‌ای از جمله رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی درقبال افراد دارای معلولیت به‌شمار می‌رود. رشد روزافزون تکنولوژی به‌خصوص در زمینه ارتباطات، قابلیت این را دارد که افراد مختلف توانایی‌های خود را به‌نمایش عموم بگذارند؛ به‌کلام‌دیگر شبکه‌های اجتماعی باعث ادغام افراد دارای معلولیت در جامعه می‌شوند. در پژوهش محدود و احمدوف، با بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر ادغام افراد معلول در جامعه مدرن، ضمن بررسی ادبیات تحقیق، این نتیجه به‌دست آمد: یکی از نتایج استفاده گسترده از فناوری وب در سال‌های اخیر آن بود که رسانه‌های اجتماعی تبدیل به ابزار بسیار مهمی در جامعه شد. برای افراد غیرمعلول این فناوری فرصت‌های شغلی جدید، اجتماعی‌شدن، سرگرمی و آموختن برخی از خدمات را به‌همراه داشت. این در حالی بود که برای افراد دارای معلولیت این فناوری‌ها موقعیت‌هایی بودند تا در جامعه ادغام شوند و سدها را بشکنند. از این دیدگاه، استفاده از این سیستم اهمیت بسزایی برای افراد دارای معلولیت دارد (۴). کاتون و همکاران پژوهشی با هدف ارزیابی استفاده از رسانه‌های اجتماعی در افراد دارای معلولیت ذهنی، بازبینی سیستماتیک و تحلیل موضوعی، درباره استفاده از رسانه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، فیسبوک و... در میان افراد دارای معلولیت به‌ویژه معلولیت‌های ذهنی انجام دادند. آن‌ها بیان کردند که افراد دارای معلولیت ذهنی تجربیات مثبتی در زمینه‌های دوست‌یابی، گسترش و رشد هویت اجتماعی، اعتمادبه‌نفس و لذت‌بردن کسب می‌کنند (۵)؛ ازاین‌رو در مقام تبیین مسئله اصلی پژوهش حاضر این نکته شایان ذکر است که چگونه شبکه‌های اجتماعی

و نیز در سطح عمومی‌تر آن فضای مجازی در تسهیل شرایط اجتماعی و ارتقای سطح روابط اجتماعی افراد دارای معلولیت می‌توانند سودمند باشند.

نظریه «برچسب‌زنی» به‌منزله چهارچوب نظری این تحقیق استفاده شد. نظریه برچسب‌زنی ریشه در کتاب بیگانگان: مطالعاتی در جامعه‌شناسی انحرافات هاوارد سول بکر (۶) داشت. عده‌ای از جرم‌شناسان نیز معتقد بودند پیش از وی، فرانک تاتن بام^۲ در کتاب جرم و اجتماع^۳ (۱۹۳۸) این نظریه را مطرح کرد (به‌نقل از ۷). منصور لکوریج و همکاران در تبیین این نظریه نوشتند: او اعتقاد داشت زمانی که شخصی به‌عنوان مجرم دستگیر می‌شود، این برچسب علاوه‌بر اینکه تصور شخص از خود را تغییر می‌دهد، باعث می‌شود تا مردم به آن برچسب و نه خود شخص، عکس‌العمل نشان دهند (۷)؛ البته اندیشمندان دیگری در طول حیات این نظریه، به بسط و گسترش آن همت کردند. این نظریه چنان تبیین شد که افرادی که از عرف و نرم‌های اجتماعی به‌اصطلاح تخطی کردند، مورد سرزنش و برچسب‌زنی عده‌ای قرار گرفتند که از آن قانون یا عرف حمایت کردند. بر مبنای نظریه مذکور، این نوع تخطی به چند دسته جسمانی از جمله انواع معلولیت‌های فیزیکی و معلولیت‌های ذهنی و درنهایت تفاوت‌های نژادی مانند رنگ پوست تقسیم‌بندی شد. همچنین این نظریه تبیین کرد، انحرافات رفتاری یا اخلاقی یا جسمانی به‌صورت ذاتی انحراف یا تخطی به‌شمار نمی‌رود؛ بلکه براساس نظارت ناظران اجتماعی، نوعی انحراف محسوب می‌شود. براساس این نظریه، قشر معلول به‌طرزی ناخواسته منحرف یا به حاشیه رانده‌شده، قلمداد شد (۶).

دسترسی به شبکه‌های اجتماعی طی دهه‌های اخیر برای عموم افراد جامعه آسان شده است؛ ازاین‌رو بررسی نقش این نوع از رسانه‌ها در بهبود و ارتقای شرایط زندگی انفرادی و اجتماعی افراد دارای معلولیت بایسته و ضروری قلمداد می‌شود. با توجه به آنچه ذکر شد، هدف پژوهش حاضر، شناخت نحوه بازنمایی افراد دارای معلولیت در شبکه‌های اجتماعی در ارتقای شرایط زندگی آن‌ها بود.

۲ روش بررسی

روش این پژوهش، کیفی و ابزار غالب برای گردآوری داده‌ها مصاحبه بود. مصاحبه به‌صورت عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام پذیرفت. در مرحله نخست به طرح پرسش پرداخته شد. پس از گردآوری داده‌ها، نتایج به‌دست‌آمده به‌عنوان داده‌ها به شکل کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی در قالب مقوله و زیرمقوله و کد طبقه‌بندی شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند بود. یازده نفر به‌منزله خیرگان رسانه در نظر گرفته شدند که همگی تحصیلات کارشناسی‌ارشد یا بیشتر داشتند یا دارای فعالیت‌های رسانه‌ای طولانی‌مدت (گاهی بیش از ده سال) بودند؛ ازاین‌رو می‌توان گفت که در نمونه‌گیری هدفمند از تکنیک نمونه‌گیری فرد ماهر استفاده شد. برخی پرسش‌های مطرح‌شده به‌قرار زیر بود.

۱. آیا در شبکه‌های اجتماعی مجازی عضویت داشتید؟

۲. میزان حضور شما در شبکه‌های اجتماعی مجازی چقدر بود؟

3. Crime and the Community

1. Personal branding

2. Frank Tatenbham

۳. نقش فضای مجازی را در بهبود شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت چگونه ارزیابی کردید؟

۴. آیا شبکه‌های اجتماعی مجازی توانستند شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت را بهبود بخشند؟

۵. کدام نوع از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر مورد توجه قرار گرفتند؟

شیوه مثلث‌سازی نظریه‌ای برای ارتقای اعتماد در این پژوهش به‌کار رفت و از نظریه «برچسب‌زنی» به‌منظور استغناء بیشتر پژوهش استفاده شد. درنهایت نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به‌صورت جدول مقوله و زیرمقوله و کد، طبقه‌بندی و ارائه شد.

۳ یافته‌ها

همان‌گونه که در روش بررسی بیان شد، روش این پژوهش کیفی بود و ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌منظور نیل به پاسخ پرسش اصلی پژوهش به‌کار رفت. با یازده تن از نخبگان رسانه در کشور به‌صورت مذکور مصاحبه شد. نتایج مصاحبه‌ها به‌شکل جدول سه‌گانه مقوله و زیرمقوله و کد، ارائه شد. در مرحله نخست عبارات با بسامد تکرار زیاد ارائه شدند. در مرحله دوم غربالگری مفاهیم صورت گرفت. در مرحله سوم ضمن غربالگری مجدد، مفاهیم به‌طور کلی‌تر تبیین شدند. جدول ۱ مشخصات جمعیت‌شناسی افراد مصاحبه‌شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. جمعیت‌شناسی مصاحبه‌شده‌ها

سن	بین ۴۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند.
جنسیت	با یازده نفر مصاحبه شد که فقط یک نفر خانم بود.
تحصیلات	حداقل میزان تحصیلات مصاحبه‌شوندگان کارشناسی ارشد بود.
تجربه در زمینه رسانه	حداقل فعالیت در زمینه رسانه بیست سال بود.

جدول ۲. کدگذاری سه‌گانه مضمون (مقوله) و زیرمضمون (زیرمقوله) و کد

مضمون	زیرمضمون	کد
شناسایی و طبقه‌بندی نیازهای معلولان	اطلاع‌رسانی عمومی	فرهنگ‌سازی عمومی
	استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک‌گذاری و بازتاب فعالیت‌های افراد دارای معلولیت	شناسایی نقاط ضعف و قوت در مسائل اجتماعی افراد دارای معلولیت به‌کارگیری هدفمند شبکه‌های اجتماعی برای بهبود شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت هدفمندسازی استفاده از شبکه‌های اجتماعی
ارتقای سطح ارتباطات اجتماعی افراد دارای معلولیت از طریق فضای مجازی	آموزش به افراد دارای معلولیت و جامعه برای ایجاد تعامل مثبت و دوسویه	آماده‌سازی جامعه برای پذیرش افراد دارای معلولیت
	ایجاد ارتباط بین افراد دارای معلولیت و دیگر افراد	آماده‌سازی افراد دارای معلولیت برای حضور در جامعه دوست‌یابی افراد دارای معلولیت در فضای مجازی امکان به‌اشتراک‌گذاری فعالیت‌های افراد دارای معلولیت در قالب فیلم، عکس، نوشته و...
ایجاد تشخیص اجتماعی	ایجاد گروه در فضای مجازی توسط افراد دارای معلولیت	ایجاد ارتباط بین افراد دارای معلولیت با هم‌نوعان خود
	ایجاد کانال در فضای مجازی توسط افراد دارای معلولیت	ارائه توانایی‌های افراد دارای معلولیت در شبکه‌های اجتماعی
		ایجاد تشخیص اجتماعی برای افراد دارای معلولیت
		افزایش میزان اعتماد به‌نفس در افراد دارای معلولیت

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف شناخت بازنمایی چهره افراد دارای معلولیت در فضای مجازی به‌خصوص رسانه‌های اجتماعی انجام شد. نتایج نشان داد، بازنمایی شرایط افراد دارای معلولیت در قالب رسانه‌های اجتماعی و در حالت کلی‌تر آن یعنی فضای مجازی، توانسته است منجر به ارائه و بازنمایی تصویری صحیح‌تر از این‌گونه افراد در قالب رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های مجازی شود.

این یافته با نتایج تحقیق صلواتی و همکاران همسوست. آن‌ها در پژوهشی با بررسی شیوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی در معلولان و تأثیر آن بر بهداشت روان، به این صورت نتیجه گرفتند: افراد دارای

به‌منظور نیل به پاسخ اصلی این پژوهش از راهنمای مصاحبه استفاده شد. عبارات کلیدی پاسخ‌ها در مجموع در قالب سه مقوله و شش زیرمقوله به‌شرح زیر در جدول ۲ ارائه شده است.

به‌طورکلی، رؤس مستخرج از کدگذاری مؤید آن بود که بسترسازی برای حضور افراد دارای معلولیت در فضای مجازی به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم آورد تا حضور این‌گونه اشخاص و افراد در جامعه پررنگ‌تر جلوه کند. فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی با توجه به قابلیت دردسترس بودن زیاد و سانسورنداشتن و البته سرعت زیاد تبادل اطلاعات، بهترین وسیله و ابزار به‌منظور فرهنگ‌سازی برای افراد دارای معلولیت در قبال جامعه و برعکس تلقی شد.

(۱۲). با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از آن لحاظ که عامل ایجاد بی‌بندوباری بود، نوعی برچسب‌زنی به‌شمار آمده است؛ با وجود این، هرگز نقش آموزشی شبکه‌های اجتماعی انکارپذیر نبوده است.

حیدری و همکاران با ارزیابی عوامل مؤثر بر ترغیب دانشجویان به استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان شبکه‌ای آموزش مجازی، با ارائه نتایجی همسو با پژوهش حاضر ضمن تحلیل و بررسی نقش آموزشی این‌گونه از رسانه‌ها ذکر کردند، شبکه‌های اجتماعی آنلاین با خلق ارزش برای کاربران خود از طریق امکاناتی که برای کاربران خود قرار می‌دهند، تجربه‌ای لذت‌بخش برای کاربران رقم می‌زنند که این تجربه نگرشی مثبت در آنان ایجاد می‌کند. مفرح‌بودن و کسل‌کننده‌نبودن استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین، دانشجویان را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی در مقایسه با دیگر بسترهای آموزش مجازی ترغیب می‌کند (۱۳). چاوشی و کرامتی معز در پژوهشی همسو با تحقیق حاضر، با بررسی عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام، بر نقش آموزش دادن به اقشار مختلف برای استفاده از فضای مجازی و به‌ویژه آموزش به افراد کم‌سن‌وسال‌تر تأکید کردند. آن‌ها نتیجه گرفتند که کودکان و نوجوانان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام باید آموزش ببینند تا میزان مشارکت خود را در ارتباط برخط خویش در شبکه‌های اجتماعی محدود به افرادی کنند که آن‌ها را می‌شناسند و به آن‌ها اطمینان دارند (۱۴).

مصلحی و همکاران در پژوهشی با ارزیابی واکاوی فرایند سلامت روان در سالمندان کاربر فضای مجازی، ضمن ارائه نتایجی غیرهمسو با این تحقیق درباره استفاده سالمندان از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی ذکر کردند که سالمندان کاربر فضای مجازی از سلامت و امنیت روان‌شناختی چندانی ندارند و با طیفی از ناراحتی‌ها و بدکارکردی‌های هیجانی، شناختی و رفتاری شامل ادراک تنهایی، پوچ‌انگاری سالمندی، نگرش‌های غیرواقعی‌بینانه، سرگردانی در زندگی و غوطه‌وری در هیجان‌ات مواجه می‌شوند (۱۵).

شیبانی و همکاران در پژوهشی همسو با تحقیق حاضر، ضمن بررسی جنبه‌های منفی و مضر استفاده از فضای مجازی به‌لحاظ فقهی و دینی، بر جنبه‌های مثبت کاربری شبکه‌های اجتماعی مجازی تأکید کرده و بیان کردند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌خودی‌خود مجاز است؛ به‌ویژه بر کسانی که توانایی استفاده صحیح از این ابزار کارآمد را دارند (۱۶). مروتی شریف‌آباد و همکاران در پژوهشی همسو با این تحقیق، رابطه بین سلامت معنوی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را در میان دانش‌آموزان بررسی کردند و بر آموزش چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تأکید داشتند. آن‌ها ذکر کردند که دانش‌آموزان به‌دلیل ویژگی‌های سنی، کاربرانی را تشکیل می‌دهند که میزان استفاده از اینترنت در آن‌ها زیاد است. تأثیرات این مسئله بر این گروه با پیامدهای جدی‌تری همراه است. انجام اقداماتی برای اصلاح رفتار در این گروه لازم به‌نظر رسید. این محققان پیشنهاد کردند که یک برنامه جامع اطلاع‌رسانی طراحی شود که در آن بر تأثیر اینترنت بر سلامت معنوی تمرکز شود تا علاوه بر افزایش آگاهی، نوعی

معلولیت از رده سنی جوان بودند و از شبکه‌های اجتماعی استفاده کردند که البته توانست منجر به بهبود و تسهیل روابط، همکاری و تعامل بین افراد دارای معلولیت در موضوعات گوناگون از قبیل تجارت، پزشکی، مباحث آموزشی و... در راستای تغییر مثبت شود. یک فرد دارای معلولیت توانست مطالب مدنظر یا مجموعه‌ای از اطلاعات خاص را در یک ثانیه با صدها و حتی هزاران نفر در سراسر جهان به‌اشتراک بگذارد (۸). منتظر قائم و الهی‌فر در پژوهشی همسو با نتایج تحقیق حاضر، با ارزیابی وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت، تجربه مقتدرسازی فردی اجتماعی در فضای وبلاگ، به این نتایج دست یافتند: نیازمندی‌های اطلاعاتی و آموزشی در میان معلولیت‌ها متفاوت است؛ بنابراین بهتر است به لزوم در نظر قراردادن تفاوت‌های جنس‌وارگی در نوع و شیوه‌های اطلاع‌یابی افراد دارای معلولیت توجه شود. به‌نظر می‌رسد در تحقیقات بعدی، نیازسنجی موسوم باید با در نظر داشتن هریک از اقسام معلولیت‌ها و اقشاری انجام شود که برای زندگی و کار و برقراری ارتباط، به‌نوعی با این افراد در ارتباط هستند. چنین مطالعاتی در افزایش شناخت از نیازمندی‌های این جمعیت و کمک به تسهیل روند یادگیری و تعامل آنان مؤثر است (۹). بر این اساس، با استفاده از فضای مجازی به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی، محدودیت‌های اجتماعی افراد دارای معلولیت در زمینه‌های آموزشی کاهش یافت و به‌اصطلاح برچسب‌های کمتری در سطح اجتماع به این‌گونه افراد زده شد. توسلی و جلال‌وند در پژوهشی با ارزیابی استفاده از اینترنت و تمایل به خوداظهاری، با رویکردی همسو با پژوهش حاضر درباره بهبود شرایط اجتماعی اشخاص مختلف به‌ویژه افراد دارای معلولیت ذکر کردند که ارتباطات الکترونیکی ویژگی‌های مهم افراد همچون جنسیت، نژاد، سن، معلولیت و مانند آن را بهبود می‌بخشند. این ویژگی‌ها ممکن است بر شکل‌گیری روابط اجتماعی در برخوردهای چهره‌به‌چهره اثرگذار باشند (۱۰). فیروزی و رمضانی پبانی در پژوهشی همسو با پژوهش حاضر، با بررسی روان‌درمانی مثبت‌نگر برای ارتقای کیفیت زندگی جانبازان پاراپلژی از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی، با مدنظر قراردادن جانبازان جنگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جهت بهبود شرایط اجتماعی آن‌ها بیان کردند که روان‌درمانی مثبت‌نگر از طریق شبکه‌های مجازی می‌تواند کیفیت زندگی جانبازان پاراپلژی را بهبود دهد. این بهبود از طریق مکانیسم‌های مختلف مانند تغییر باورها، افزایش تعاملات اجتماعی، افزایش فعالیت‌های فکری و جسمی به‌خاطر انجام تکالیف ایجاد می‌شود (۱۱).

نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعه دعاگویان و همکاران درباره ارزیابی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد گفت‌وگو سازی غیراخلاقی، غیرهمسوست. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شبکه‌های اجتماعی نقش مؤثری در بروز مشکلات سیاسی و اجتماعی و کاهش مشارکت‌های سیاسی دارند و باید با تدابیر لازم آثار آن‌ها را در جامعه کاهش داد. شبکه‌های اجتماعی (تلگرام) در طلاق عاطفی خانواده‌ها و تغییر سبک زندگی افراد عضو در شبکه‌های اجتماعی مجازی (تلفن همراهی)، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی، ترویج بی‌بندوباری و ارتباط با جنس مخالف تأثیر دارند

حساس سازی نیز در این گروه از مخاطبان صورت گیرد. به عبارت دیگر در تحقیق مذکور، آموزش دهی و آگاهی رسانی به قشر دانش آموز به منظور استفاده صحیح این افراد از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی مجازی ملاک و رکن اصلی شناخته شد (۱۷). بوربور و تاجیک اسماعیلی در پژوهشی همسو با تحقیق حاضر به نقش اساسی استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی در هویت سازی اجتماعی زنان تهران اشاره داشتند و بیان کردند که میان نوع (کیفیت) استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با هویت اجتماعی زنان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. بهره گیری زنان مطالعه شده در شهر تهران برای دریافت آگاهی و اطلاعات مورد نیاز از تلگرام، نشان دهنده این واقعیت است که زنان توانسته اند از این شبکه اجتماعی به شکل مطلوب بهره گیرند و از سوی دیگر توانسته اند برای تأمین منابع آگاهی و اطلاعاتی خود مجرا یا کانال مناسب را انتخاب کنند و به آن دسترسی یابند (۱۸). با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش بوربور و تاجیک اسماعیلی و ویژگی اطلاع رسانی شبکه های اجتماعی مجازی، نتایج حاصل درباره بانوان توانست برای قشر افراد دارای معلولیت نیز صادق باشد. به عبارت دیگر، قشر افراد دارای معلولیت نیز توانایی استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی برای دسترسی به اطلاعات و آگاهی را داشته اند. این گونه از افراد به راحتی توانسته اند با استفاده از قابلیت های شبکه های اجتماعی، روابط خود را با جهان پیرامون گسترش دهند. حامدی نسب و همکاران در پژوهشی همسو با پژوهش حاضر، درباره نقش استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی در هویت اجتماعی و رابطه معلم و شاگرد ذکر کردند که معلمان برای بهبود روابط خود با دانش آموزان، نقش شبکه های اجتماعی را در شکل گیری هویت و روابط بین خود و شاگردانشان در نظر دارند و شیوه ارتباطی خود را بر مبنای نسل امروزی تغییر می دهند (۱۹). براساس پژوهش وانگ و همکاران که با پژوهش حاضر همسوست، افراد دارای معلولیت امیدوارند که پلت فرم های اطلاعاتی شبکه های مانند وی چت و کیو کیو که می توانند به عنوان خدمات اطلاعاتی استفاده شوند، در اختیارشان قرار گیرد؛ زیرا این پلت فرم ها طیف گسترده ای از کاربران را در خود جای می دهند و دارای طراحی تحقیق و توسعه انسانی تر هستند (۲۰). اسانسیون و همکاران در تحقیقی همسو با مطالعه حاضر، درباره استفاده دانش آموزان دارای معلولیت از شبکه های اجتماعی بیان کردند که دانش آموزان دارای معلولیت مانند دیگر هم تاییان خود از شبکه های اجتماعی برای تکالیف مدرسه و نیز سایر فعالیت هایشان استفاده می کنند (۲۱). براین اساس، استفاده از شبکه های اجتماعی باعث ارتقای توأمان شرایط تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان دارای معلولیت شده است.

با توجه به مطلب بیان شده و مؤلفه هایی که پیش تر یاد شد، نتایج این پژوهش نشان داد، بازنمایی معلولیت و افراد دارای معلولیت در شبکه های اجتماعی، با در نظر گرفتن عناصری مانند شناسایی نیازهای افراد دارای معلولیت، انتشار اخبار، کمبودها، توانمندی ها، توانایی

دوست یابی و تبادل افکار و در نهایت فرهنگ سازی صحیح، توانایی تغییر نگرش اجتماعی درباره افراد دارای معلولیت را دارد؛ به عبارتی رابطه درخور ملاحظه ای در مؤلفه های مذکور و ارتقا و بهبود شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت مشاهده می شود.

۵ نتیجه گیری

براساس نتایج پژوهش، رسانه های اجتماعی بهترین سکوی پرتاب افراد دارای معلولیت به سوی جامعه شناسایی شدند. شناسایی نیازهای افراد دارای معلولیت، امکان دوست یابی و ایجاد ارتباطات صحیح اجتماعی، بازنمایی توانایی ها و مشکلات افراد دارای معلولیت، استفاده از فضای مجازی به خصوص شبکه های اجتماعی برای آگاهی سازی و تزریق فرهنگ به جامعه در قبال افراد دارای معلولیت های مختلف، از مهم ترین مؤلفه هایی بود که در این پژوهش به عنوان ویژگی های مهم شبکه های اجتماعی در راستای بهبود شرایط اجتماعی این گونه افراد شناخته شد.

۶ تشکر و قدردانی

نویسندگان از تمامی افرادی که در این پژوهش شرکت کردند، کمال سپاس و قدردانی را دارند.

۷ بیانیه ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت از شرکت کنندگان

این پژوهش برگرفته از پایان نامه دکتری علی عبدالصمدی با عنوان «الگوسازی جامع رسانه ای برای وضعیت اجتماعی افراد دارای معلولیت ایران» بود که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تدوین شد. افراد شرکت کننده در مصاحبه های پژوهش با رضایت کامل شرکت کردند و اطلاعاتشان به طور محرمانه نزد نویسنده اول پژوهش حفظ شد.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

دردسترس بودن داده ها و مواد

تمامی مواد دردسترس همه نویسندگان قرار داشت و در صورت نیاز قابلیت ارائه به سایر پژوهشگران را نیز دارد.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می کنند که هیچ گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

پژوهش حاضر کاملاً مستقل و بدون حمایت مالی سازمان یا مؤسسه خاصی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول داده ها را گردآوری و طبقه بندی کرد. نویسندگان دوم و سوم در آنالیز و تحلیل داده ها نظارت داشتند. نسخه نهایی این پژوهش به تأیید هر سه نویسنده رسید.

References

1. Fars News. Chand darsade Iraniha dochare ma'luliyat hastand? [What percentage of Iranians are disabled?] [Internet]. <https://www.farsnews.ir/news/14020428000133>
2. Khasnabis Ch, Heinicke Motsch K, Editorial group. Community-based rehabilitation: CBR guidelines. Geneva: World Health Organization; 2010.
3. Zamani MT, Zarei A, Sajjadi Hazaveh H, Haji Anzhai Z. The effect of using virtual social networks with the role of mediating quality of life on general health of War veterans and disabled athletes in Iran. Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences. 2019;62(December):403–10. [Persian] <https://doi.org/10.22038/mjms.2019.14892>
4. Mammadova M, Ahmadov S. Impact of social media on the integration of disabled people to modern society. Journal of Problems of Information Society. 2017;8(2):47–55. <http://dx.doi.org/10.25045/jpis.v08.i2.06>
5. Caton S, Chapman M. The use of social media and people with intellectual disability: a systematic review and thematic analysis. Journal of Intellectual and Developmental Disability. 2016;41(2):125–39. <https://doi.org/10.3109/13668250.2016.1153052>
6. Becker HS. Outsiders: studies in the sociology of deviance. New York, NY: Free Press; 1963.
7. Mansourlakouraj A, Abbasi A, Ghorbani A. The consequences of incorrect criminology and ways to get out of it. Medical Law Journal. 2021;15(Legal Innovation 8):19–36. [Persian] <https://ijmedicallaw.ir/article-1-1358-en.pdf>
8. Salavati S, Moradi G, Fattahi N, Salvati S, Ghaderi S. Prevalence of social networks uses in disable's and its effect on there mental health. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2019;6(4):124–35. [Persian] <http://dx.doi.org/10.29252/shenakht.6.4.124>
9. Montazerghaem M, Elahifar K. Bloggers with disability: individual and social empowering experiences in blogosphere. Social Welfare Quarterly. 2013;12(47):319–55. [Persian] <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1135-en.pdf>
10. Tavassoli A, Jalalvand E. Using internet and the tendency to self-showing (case study of female graduates of one university in Tehran). Women's Studies Sociological and Psychological. 2015;13(4):95–122. [Persian] <https://doi.org/10.22051/jwsp.2015.2242>
11. Firoozi M, Ramezani Piyani M. Positive psychotherapy to improve the quality of life of paraplegic veterans through virtual social networks. Journal of Military Medicine. 2022;20(3):316–24. [Persian] https://militarymedj.bmsu.ac.ir/article_1000755_f4b148f260180cf68d0e78529ddd409e.pdf
12. Doagooyan D, Fooladi F, Abdolaahy R. The role of virtual social networks in creating non-moral conversations. Police Protectoral and Security Studies quarterly. 2019;14(52):143–62. [Persian] http://spaps.jri.police.ir/article_93163_d5b9ba86a73b1cb9486d7420aa61afab.pdf
13. Heidari H, Alborzi M, Mousakhani M. The factors affecting the students' encouragement to use the social network sites as a virtual learning network. Human Information Interaction. 2016;3(2):56–69. [Persian] <https://system.khu.ac.ir/hii/article-1-2478-fa.pdf>
14. Chavoshi MS, Karamati Moez H. The causes and consequences of ethical delinquency of children and adolescents in telegram and instagram social networks. Ethical Research. 2019;9(2):105–22. [Persian] <http://akhlagh.saminattech.ir/Article/Download/17333>
15. Moslehi M, Naeimi E, Vahedi M. Analysis of mental health in cyberspace elderly users. Counseling Culture and Psychotherapy. 2021;12(47):97–122. [Persian] <https://doi.org/10.22054/qccpc.2021.60971.2704>
16. Sheibani M, Jahangiri M, Hosseini SA. Coming to the religious jurisprudence of using virtual social networks. Islamic Law, Jurisprudence and Methodology. 2019;4(4):121–46. [Persian] <https://doi.org/10.22034/jrj.2019.50270.1357>
17. Morowati Sharif-Abad MA, Hosseini N, Behzadifar M, Behzadifar M, Rastian M, Fazelpour S. The relationship between spiritual health and use of virtual social networks in high-school students of Firozabad, Fars Province. Toloobehdasht. 2019;18(3):45–56. [Persian] <http://dx.doi.org/10.18502/tbj.v18i3.1443>
18. BoorBoor A, Tajik Esmaeili S. Study the relationship between the amount and type of use of virtual social networks with the social identity of women in Tehran. Social Psychology Research. 2021;11(41):137–59. [Persian] <https://doi.org/10.22034/spr.2021.256392.1588>
19. Hamedinasab S, Gholami V, Azizi M. The role of using virtual social networks in social identity and teacher–student relationship. Applied Educational Leadership. 2020;1(3):77–90. [Persian] https://ael.uma.ac.ir/article_1113_a8d2cc2283a497721cbf82fb07aab7a2.pdf
20. Wang W, Wu YCJ, Yuan CH, Xiong H, Liu WJ. Use of Social Media in Uncovering Information Services for People with Disabilities in China. International Review of Research in Open and Distributed Learning. 2017;18(1):65–83. <https://doi.org/10.19173/irrodl.v18i1.2621>
21. Asuncion J, Budd J, Fichten C, Nguyen M, Barile M, Amsel R. Social media use by students with disabilities. Academic Exchange Quarterly. 2012;16(1):30–5.